

دائرة المعارف جهان نوبن اسلام

جلد

پ-ز

سروراستار متن انگلیسی
جان ل. اسپوزیتو

ترجمه و تحقیق و تعلیق
زیر نظر

حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی

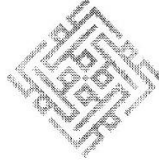


شرکت کتاب مرجع



شرکت گود

تهران ۱۳۸۸



فهرست همکاران این مجلد

الف- معادل‌یابی، تنظیم و توضیح مدخل‌ها
نگار نادری

ب- ترجمه مقالات

مهدی افشار	مسعود صادقی علی آبادی
محسن الویری	سیدرضا طاهری
سیدحسین امین	علی فاطمیان
محمد باقری	محمد فاطمیان
ولی‌الله برزگر کلیشی	مهدی فاطمیان
بزرگانیان	سیدمجید قافله‌باشی
سعید پیشداد	حمیده کوب
محمد تقی زاده	غلامرضا لایقی
صمد چینی فروشان	سیدعلی مرتضویان
داود حاتمی	سامان مظاهری
مستوره خضرای	سپیده معتمدی
علی اصغر خندان	مجتبی منشی زاده
شهناز رازپوش	افسانه منفرد
رضا رضازاده لنگرودی	سیدحسین میرجلیلی
محمد رفیعی مهرآبادی	نگار نادری
حسین سوزنچی	لیلا هوشنگی

ج- مقابله ترجمه و ویرایش

سپیده معتمدی

نگار نادری

د- ویرایش علمی، تحقیق و تعلیق (هیئت ویراستاری)

حسن طارم‌راد
مهدی دشتی

محمد دشتی

ه- مشاور

مرتضی شفیعی شکیب

و- ترجمه کتابشناسی

مستوره خضرای

ز- گزینش و آماده‌سازی تصاویر

معصومه میرسعیدی

ح- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیه

ط- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک) علی ثباتی (اجرای هنری و نظارت چاپ)

ی- آماده‌سازی فنی

سهیلا اسدی باهر (اصححه‌آرا) اعظم رمضانپور سبحانی (حروف‌نگار)
اکرم رضایی (نمونه‌خوان و ویراستار فنی) رفیقه عبیدی (حروف‌نگار)

فهرست مدخلها و نامهای مؤلفان و مترجمان

محمد خالد مسعود	تبلیغ	ممتاز احمد	پاکستان
ولی الله بزرگر کلیشی		سعید پیشداد	
ممتاز احمد	تبلیغی جماعت	یاکوب م. لندو	پان اسلام
نگار نادری		محمد تقی زاده	
الیاس ه. توما	تجارت	فیروز احمد	پان تورانیسم
سیدحسین میرجلیلی		محمد تقی زاده	
نهمیا نوزیون	تجانی، احمد	چو دیت ناگانا	پرکیم
علی فاطمیان		سیدمجید فافله باشی	
جان رالف ویلیس	تجانیه	لارنس ای. کنراد،	پزشکی
علی فاطمیان		نانس ای. گالاجر	
دیوید کامینز	تجدد خواهی	محمد تقی زاده	
داود حاتمی		هوارد م. فدرسپیل	پسانترن
	تجدید ← احیا و تجدید	صمد چینی فوشان	
بیتر وردوارد	ترابی، حسن		پوشاک ← لباس
محمد تقی زاده		فخرالدین عظیمی	پهلوی، رضا
دیوید نیسمان	ترکمنستان	علی فاطمیان	
سپیده معتمدی		ماروین زونیس	پهلوی، محمدرضا
فیروز احمد	ترکهای جوان	علی فاطمیان	
نگار نادری		کاترین بی. اورینگ	پیر
فیروز احمد	ترکیه	نگار نادری	
سعید پیشداد		موزیل آنکین	تاجیکستان
اوگاستس ریچارد نورتون	توروسم	سپیده معتمدی	
مهدی افشار		آن استفان هامفریز	تاریخ نگاری
لاری لاکستر	ترینیداد و توباگو	افسانه منفرد	
علی فاطمیان		آگوست ه. نیمیتس، جونیر	تائزانی
ژاک واردنبورگ،	تسن	محمد تقی زاده	
میشل ای. مارمورا		ریموند اسکاپین	تایلند
محسن الویری		محمد تقی زاده	

مآثره المعارف جهان نوین اسلام، ۱۳۸۸ (جلد دوم)

تجارت

۶۹

و مسافرت، شرایط تجاری بهتری از آنچه افراد بومی در امپراتوری عثمانی از آن برخوردار بودند، اعطا می‌کرد. به عنوان مثال عوارض صادراتی که توسط افراد بومی در امپراتوری عثمانی پرداخت می‌شد بالاتر از عوارض وارداتی بود که به خارجی‌ها تعلق می‌گرفت. از این رو خارجی‌ها در این زمینه دارای مزیت بودند. این قبیل منافع برخی اوقات شامل ساکنان بومی غیرمسلمان امپراتوری عثمانی می‌شد که دارای وابستگی مذهبی به یک قدرت خاص خارجی بودند. بنابراین کاتولیکها از حمایت فرانسه و ااتیکان، پروتستانها از حمایت بریتانیا و مسیحیان ارتدوکس از حمایت روسیه برخوردار بودند. در نتیجه مسیحیان یونانی، ارمنستانی، لیبانیها و سوری، قبطیهای مصری و اقلیت‌های مشابه مانند: انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی که در قلمرو امپراتوری عثمانی ساکن بودند هم در تجارت خارجی و هم در بازرگانی کشورهای اسلامی که در آن اقامت داشتند، مسلط بودند (به امتیازات ویژه بیگانگان).

جهت و ترکیب تجارت تنها اندکی متأثر از اسلام بود و آشکارا بیشتر توسط تکمیل‌گری^۴ اقتصادی تعیین می‌گردید تا هویت مذهبی یا عقیده طرف‌های تجاری. تأثیر استعمار بر تجارت توسط درصد بالای تجارت با کشورهای غیراسلامی خارجی به بهترین نحو خود را نشان می‌داد. کشورهای اسلامی غالباً با قدرتهای استعماری به تجارت می‌پرداختند که تابع آنها و پیرو منافع آنها بودند. این وضع تا دهه ۱۹۹۰م/۱۳۷۰ش تداوم یافت.

الگوی تجاری یاد شده به واسطه توسعه نیافتگی اقتصادی و فقر کشورهای اسلامی و به خاطر کامل‌گری نسبتاً پایین میان اقتصادهای اسلامی، تقویت گردید. تجارت با کشورهای غیراسلامی غربی مبتنی بر مبادله محصولات اولیه و طبیعی در مقابل کالاهای صنعتی بود که کشورهای اسلامی آن را تولید نمی‌کردند. تجارت امپراتوری عثمانی با اروپا و ایالات متحده آمریکا ۹۳٪ از کل صادرات و واردات در اواخر قرن نوزدهم/ اوایل قرن چهاردهم را تشکیل می‌داد. صادرات کشورهای اسلامی شامل: گندم، جو، انواع میوه، ابریشم، پوست و سایر مواد

تجارت^۱ برای ارزیابی تجارت کشورهای اسلامی در دوره جدید سه اشکال وجود دارد. اول: شناسایی کشورهایی به عنوان کشورهای اسلامی که طی سالهای اخیر صورت گرفته است و به سال ۱۹۶۹م/۱۳۴۸ش و تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی^۲ باز می‌گردد. دوم: در مورد کشورهای اسلامی برای اغلب سالهای دوره جدید، با کمبود آمار و ارقام مواجه هستیم. سوم: تا اواسط قرن بیستم/اواخر قرن چهاردهم، اغلب کشورهای اسلامی زیر نفوذ مستقیم و غیرمستقیم قدرتهای غیراسلامی خارجی بودند. کشورهای عرب قبل از آنکه در اوایل قرن نوزدهم/اواسط قرن سیزدهم زیر نفوذ غربیهای غیرمسلمان در آیند، بخشهایی از امپراتوری عثمانی را تشکیل می‌دادند. پاکستان بخشی از شبه‌قاره هند بود و شبه‌قاره هند نیز تا بعد از جنگ جهانی دوم توسط بریتانیا اداره می‌شد. اندونزی زیر نفوذ هلند^۳ و الجزایر از ۱۸۳۲ تا ۱۹۶۲م/۱۲۱۱-۱۳۴۱ش توسط فرانسه اداره می‌شد. اغلب اعضای سازمان کنفرانس اسلامی از این جهت دارای گذشته مشابهی هستند.

نفوذ غرب، افزون بر تأثیرگذاری دیر پا بر سیاستهای اقتصادی و تجاری کشورهای اسلامی، دو نتیجه مهم داشته است. اول آنکه آمار و ارقام مربوط به کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی اساساً جدید و متأخر است. دوم آنکه سیاست تجاری این کشورها به ندرت متأثر از اصول یا اندیشه اسلامی بوده است. به عنوان مثال سیاست تجاری در دوره عثمانی متأثر از منافع استعماری و معاهدات کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی) بود که در راستای تخریب زیر بنای قواعد اسلامی و حاکمیت عثمانی جهت‌گیری نموده بود.

معاهده‌های کاپیتولاسیون، موافقتنامه‌هایی بود که به شهروندان کشورهای غربی غیراسلامی که در امپراتوری عثمانی ساکن بودند یا با آن رابطه تجاری داشتند، امتیازاتی انحصاری اعطا می‌کردند. این امتیازات، از خارجی‌ها در مقابل تبعیض یا محدودیت‌های ناشی از حقوق مدنی اسلامی در امپراتوری عثمانی، حمایت می‌کرد. توافقنامه‌های کاپیتولاسیون همچنین به غربیها آزادی بیشتری در تجارت

1. TRADE

2. Organization of the Islamic conference (O.I.C)

3. Dutch

4. Complementarity

خام بود. واردات کشورهای اسلامی در ماشین‌آلات و کالاهای صنعتی و فراوری شده متمرکز گردیده بود.

تغییراتی در سیاست تجاری از پایان جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست. بعد از جنگ، منافع ملی و افزایش سهم نسبی تجارت میان کشورهای اسلامی مورد تأکید قرار گرفت. اما در عمل تغییر اندکی در ترکیب تجاری یا جهت تجارت یا ارتباط تجارت با مبانی یا اصول اسلامی انجام گرفته است. منشور سازمان کنفرانس اسلامی زمینه‌های همکاری اقتصادی میان اعضا را مشخص نموده است که شامل گسترش تجارت میان کشورهای اسلامی و ایجاد احتمالی بازار مشترک اسلامی^۱ می‌باشد. جهت تسهیل تجارت [میان کشورهای اسلامی]، نهادهای مالی اسلامی^۲ تأسیس شده‌اند، کمیته‌های اجرایی تبلیغاتی شکل گرفته‌اند و خطابه‌های سیاسی زیادی ایراد شده است. با وجود این، بر جهت‌گیری و حجم و ترکیب تجارت میان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی تنها اندکی تأثیر گذاشته است. صادرات کالاهای اولیه، عمدتاً به سایر کشورهای اسلامی و جهان سوم، همچنان غالب است، در حالی که واردات عمدتاً به صورت کالاهای صنعتی از کشورهای توسعه یافته غیراسلامی صورت گرفته است. نفت به عنوان یک قلم ماده خام تجاری عمده الگوی استعماری سنتی را تقویت کرده است. الگوی جهت‌گیری سنتی تجاری به دلیل فقر نسبی و توسعه نیافتگی تکنولوژیک و اقتصادی اعضای سازمان کنفرانس اسلامی تقویت گردیده است. گرایش به سمت تکمیل‌گری اقتصادی میان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی کمتر از آن چیزی بوده که در بین کشورهای توسعه یافته غیراسلامی و اعضای سازمان کنفرانس بوده است. گرایش اعضای سازمان کنفرانس اسلامی همچنین بیشتر متوجه اتحاد سیاسی بوده است تا همکاری اقتصادی، و بنابراین در ایجاد شرایط لازم برای توسعه تجاری میان خودشان، به کندی عمل کرده‌اند. افزون بر آن، الگوی تجاری به واسطه پیوندهای سنتی و نسبتاً قوی با قدرتهای استعماری قبلی، آن چنان ثبات یافته است که شکستن آن بسیار پرهزینه خواهد بود. سرانجام، آن الگوی تجاری در

تضاد با عقاید و اصول اسلامی نیست، و بنابراین اعضای سازمان کنفرانس اسلامی به سختی می‌توانند به دلایل دینی برای تنبیر آن استدلال نمایند. قابل توجه است که حقوق تجاری کشورهای اسلامی خاورمیانه منبکس کننده هیچ‌گونه تأثیرپذیری از عقیده یا اندیشه اسلامی نیست. برای اجتناب از هرگونه ناسازگاری بالقوه با اصول مذهبی و ملی، برخی کشورهای اسلامی مانند بحرین، مصر، و ترکیه به اقدامات خشنی کننده‌ای از قبیل واحدهای بانکداری برون مرزی و مناطق آزاد تجاری^۳ پناه برده‌اند.

نیروهای ویژه مهمی ایجاد شده و توصیه‌های بسیاری مطرح گردیده است تا تجارت و همکاری اقتصادی میان کشورهای اسلامی ارتقا یابد. در هر حال تجارت میان کشورهای اسلامی در سطح نسبتاً پایینی باقی‌مانده است و الگوی تثبیت شده در سالهای پیش از استقلال کشورهای اسلامی و پیش از تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی، تداوم یافته است؛ زیرا الگوی یاد شده منطبق خود را دارد. الگوی یاد شده نه در تضاد با اسلام است و نه تغییر آن از لحاظ سیاسی امکان‌پذیر می‌باشد. منطبق آن به واسطه شرایط اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، تحکیم بیشتری یافته است که شامل فقر نسبی، توسعه نیافتگی نسبی، و وابستگی سنتی به کشورهای غربی غیراسلامی و بسیار توسعه یافته می‌باشد که در درجه بالایی از تکمیل‌گری با هم مشترک هستند. سازمان کنفرانس اسلامی سعی کرده است با ایجاد اتاق بازرگانی اسلامی^۴، تکمیل‌گری و تجارت را ارتقا دهد؛ نتایج آن در آینده آشکار خواهد شد.

[بهبود اقتصاد، بخش نهادهای اقتصادی؛ اتاق بازرگانی اسلامی؛ سازمان کنفرانس اسلامی]

منابع:

1. Ahsan, 'Abdullāhal-. *OIC: The Organization of the Islamic Conference*. Herndon, Va., 1988.

> آ. آی. سی: سازمان کنفرانس اسلامی <

2. "Food Security Situation in the Islamic

1. Islamic Common Market

2. Islamic Financial institutions

3. Free trade zones

4. Islamic Chamber of Commerce

> «تأثیر اقتصادی کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی):
خاورمیانه و اروپا، یک تعبیر تازه» <

10. United Nations Industrial Development Organization. *Industrial Development of the Islamic Countries: Progress, Present Status, and Prospects*. New York 1982.

> سازمان توسعه صنعتی ملل متحد - یونیدو - توسعه صنعتی
کشورهای اسلامی: پیشرفت، وضعیت فعلی و چشم اندازها <

/ الیاس ه. توما /

تجانی، احمد^۲ (۱۱۵۰-۱۲۳۰ ق)، بنیانگذار طریقه
صوفی تجانیه. ابوالعباس احمد بن محمد التجانی در
عین ماضی در جنوب الجزایر متولد شد. در بیست سالگی از
فاس دیدار کرد، جایی که متوالیاً رشته‌ای از چندین فرقه
صوفی را آزموده و از همه آنها ناامید گشته بود. ده سال بعد
در اثنای اقامتش در تلمسان در ۱۱۸۱ / ۱۷۶۷ م، اولین
«فتوح» دینی‌اش را تجربه کرد.
در ۱۱۸۶ رهسپار انجام مراسم حج شد. در ازوای
نزدیک الجزیره، به وسیله عبدالرحمان ازهری (متوفی
۱۲۰۶) به فرقه خلوتیه، که چند دهه پیش در مصر احیا شده
بود، پذیرفته شد. تجانی با شور و حرارت این جریان را
دنبال کرد؛ او راه‌های خلوتیه را از محمود الکُردی (متوفی
۱۱۹۳) در قاهره و از محمد بن عبدالکریم السَّمان (متوفی
۱۱۸۸) در مدینه آموخت. تعلق خاطرش به خلوتیه با
نارضایتی اولیه‌اش از سایر فرقه‌های صوفی مغایرت
داشت. در مراجعتش به مغرب در ۱۱۸۸ اولین مریدانش را
به خلوتیه پذیرفت. ورود خلوتیه احیا شده به مغرب،
انحراف از سنت صوفی شاذلیه بود که بیشتر فرقه‌های
مغربی به آن تعلق داشتند.
در ۱۱۹۵، تجانی به حاشیه صحرا در جنوب الجزایر
بازگشت، جایی که برخورداردی مکاشفه‌وار داشته، که در آن
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او دعایی (وژد) را آموخت
که طریقت مستقل نوراً اعلام می‌کرد و به او دستور داد که
روابطش را با سایر فرقه‌ها و شیخیا قطع کند. علی‌رغم این
انقطاع، عناصر خلوتیه احیا شده، بیشتر از آنچه که بنیانگذار

Countries". *Journal of Economic Cooperation among Islamic Countries* 9 (1988): 1-43.

> «وضع امنیت غذایی در کشورهای اسلامی» <

3. International Bar Association. *Proceedings of the Seminar on Middle East Law with Reference to Echreiz, Egypt, Iran, Kuwait, Oman, Qatar, Saudi Arabia, U. A. E.* London 1981.

> کانون جهانی وکلا؛ صورت جلسه سمینار حقوق خاورمیانه با
اشاره به بحرین، مصر، ایران، کویت، عمان، قطر، عربستان
سعودی و امارت متحده عربی <

4. Issawi, Charles. *The Fertile Crescent: A Documentary History, 1800-1914*. New York 1988. See pages 141-147.

> هلال خصیب: تاریخ مستند، ۱۸۰۰-۱۹۱۴ <

5. Firzada, syed Sharifuddin. *Speeches and Statements of His Excellency Syed Sharifuddin Pizada, GIC*. Jeddah 1987.

> سخنان و بیانات حضرت سید شریف‌الدین پیرزاده، آی، سی <

6. Shaw, Stanford J., and Ezel Kural Shaw. *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey, vol. 2, Reform, Revolution, and Republic: The Rise of Modern Turkey, 1808-1975*. Cambridge, 1977. See Pages 122-125, 236-238.

> تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه معاصر، جلد ۲، اصلاحات،
انقلاب و جمهوری: ظهور ترکیه نوین، ۱۸۰۸-۱۹۷۵ <

7. Thornburg, Max Weston. *Turkey: An Economic Appraisal*. New York 1968. See pages 164-175.

> ترکیه: یک ارزیابی اقتصادی <

8. Tignor, Robert. *State, Private Enterprise, and Economic Change in Egypt, 1918-1952*. Princeton, 1984. See pages 20-22, 60-61.

> حکومت، بخش خصوصی و تحول اقتصادی در مصر،
۱۹۱۸-۱۹۵۲ <

9. Tuma, Elias H. "The Economic Impact of the Capitulations: The Middle East and Europe, a Reinterpretation". *Journal of European Economic History* 18.3 (1989): 653-682.